

ساخت مراکز درمانی از زکات

به مناسبت بحث نفقات و هزینه‌های علاج و درمان، به نفقه اولاد اشاره کردیم و به تبع به حکم صرف زکات در هزینه‌های درمان پرداختیم. به مناسب بحث صرف زکات در معالجات، یکی از مسائلی که باید بحث شود ساخت بیمارستان از زکات است. از یک طرف بیمارستان و مراکز درمانی یکی از مصالح عام در اجتماع است که از قدیم در جامعه انسانی وجود داشته است و از طرف دیگر یکی از مصارف زکات، سهم سبیل الله است. آیا می‌توان زکات را از این جهت در ساخت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی هزینه کرد؟ آیا همان طور که می‌توان با زکات پل و راه و ... ساخت می‌توان بیمارستان هم ساخت؟

از کلمات فقهاء استفاده می‌شود که مساله محل اختلاف است و چه بسا بتوان به برخی از فقهاء نسبت داد که بنای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی از زکات جایز است.

کلمات فقهاء در تعیین ضابطه «فی سبیل الله» اختلاف شدید و عمیقی دارد. یک اختلاف بین شیعه و اهل سنت است و آن اینکه اهل سنت معتقدند «سبیل الله» یعنی جنگ و جهاد و لذا در برخی روایات این طور آمده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَهْمَدَانِ ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ مَاتَ وَكَانَ لَا يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ فَأَوْصَى بِوَصِيَّةٍ عِنْدَ الْمَوْتِ وَأَوْصَى أَنْ يُعْطَى شَيْءٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَسُئِلَ عَنْهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ كَيْفَ يُفْعَلُ بِهِ فَأَخْبَرَنَاهُ أَنَّهُ كَانَ لَا يَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ فَقَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَوْصَى إِلَيَّ أَنْ أَضَعَ فِي يَهُودِيٍّ أَوْ نَصْرَانِيٍّ لَوْضَعْتُهُ فِيهِمَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ- فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ فَانْظُرُوا إِلَى مَنْ يَخْرُجُ إِلَى هَذَا الْوَجْهِ يَغْنِي [بَعْضَ] الثُّغُورِ فَابْعَثُوا بِهِ إِلَيْهِ. (الكافي، ج ۷، ص ۱۵) در مقابل مشهور شیعه معتقدند سبیل الله به جهاد اختصاص ندارد. اما در آن اختلاف دارند که در مجموع می‌توان اقوال را این طور دسته بندی کرد:

اول: مطلق مصالح عامه است و شکی نیست مراکز درمانی نیز جزو مصالح عامه محسوب می‌شوند. این نظر از کلام مرحوم آقای خویی قابل استفاده است. ایشان فرموده است: «خصوص ما فيه مصلحة عامة». بعید نیست این معنا همان باشد که مرحوم امام گفتند چون اگر چه حضرت امام آن را به مصالح عمومی اسلام و مسلمین مقید کرده است و مرحوم آقای خویی مطلق بیان کرده اما بعید نیست این قید منظور مرحوم آقای خویی نیز باشد و مراد ایشان این نیست که می‌توان از زکات مسلمین، مثلاً راه‌های بلاد کفر را آباد کرد و ...

دوم: منظور همه راه‌های خیر است که شامل همه اموری هم هست که به قصد قربت واقع شوند هر چند جزو مصالح عمومی هم نباشد. این معنا از کلام سید در عروه قابل استفاده است:

«السابع سبيل الله و هو جميع سبل الخير كبناء القناطر و المدارس و الخانات و المساجد و تعميرها و تخليص المؤمنين من يد الظالمين و نحو ذلك من المصالح كإصلاح ذات البين و دفع وقوع الشرور و الفتن بين المسلمين و كذا إعانة الحجاج و الزائرين و إكرام العلماء و المشتغلين- مع عدم تمكنهم من الحج و الزيارة و الاشتغال و نحوها من أموالهم- بل الأقوى جواز دفع هذا السهم في كل قرية مع عدم تمكن المدفوع إليه من فعلها بغير الزكاة بل مع تمكنه أيضا لكن مع عدم إقدامه إلا بهذا الوجه»

از نظر ایشان صرف زکات به عنوان سهم سبیل الله در هر عمل قربی جایز است به این شرط که بدون آن انجام نشود.

سوم: منظور مصالح عام دینی است نه هر مصلحت عمومی و نه هر راه خیر یا هر چه به قصد قربت واقع شود. مرحوم آقای بروجردی به این نظر معتقد است: «إذا كانت من المصالح العامة الدينية»

چهارم: منظور هر عمل قربی نیست بلکه عمل قربی که اهتمام شریعت به آنها مفروض است. مرحوم آقای حکیم این نظر را پذیرفته است «لها نوع من الأهمية الشرعية»

پنجم: منظور هر عمل قربی نوعی است و لذا مهم نیست که شخصا هم قربی واقع شود. مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی این نظر را پذیرفته است.